

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

الف، لام، را. کتابی که منظم و محکم شده آیت های آن باز تشریح شده از جانب (خدا)

هوشیار، آگاه. (1)

أَلَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (2)

اینکه نپرستید مگر خدا را. هر آینه من برای شما از جانب او بیم دهنده و مژده دهنده ام.

(2)

وَأَن اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ۖ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (3)

و این که طلب آمرزش کنید (از) پروردگار خود باز رجوع کنید به توبه به سوی او، می سازد بهره مند شما را به بهره نیک تا وقت معین و می دهد هر صاحب فضیلت را، فضیلت او را؛ و اگر رو گردان شدید پس هر آینه من می ترسم بر شما عذاب روز بزرگ را. (3)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (4)

به سوی خدا است باز گشت شما؛ و او بر همه چیز توانا است. (4)

أَلَا إِنَّهُمْ يَنْتُونْ صُدُورَهُمْ لَيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (5)

بیگمان هر آینه ایشان می پیچند سینه های شان را تا پنهان کنند از او. بیگمان هنگامیکه می پوشند جامه های خود را می داند او (خدا) آنچه می کنند پنهان و آنچه می کنند آشکار. هر آینه او دانا است به داخل سینه ها. (5)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (6)

و نیست از جنبنده در زمین مگر بر خدا است روزی آن و می داند جای زیستن آن را و جای نگاه داشتن آن را. همه در کتاب روشن است. (6)

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَلَئِن قُلْتِ إِنَّكُمْ مَّرْعُوثُونَ ۖ مِّنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (7)

و او است آنکه آفرید آسمان ها و زمین را در شش دوره و بود عرش او بر آب تا بیازماید شما را که کدام شما بهتر هستید در عمل. و البته اگر گفتی هر آینه شما بر انگیزته می شوید از بعد مرگ البته می گویند آنانکه نا معتقد شدند نیست این مگر جادوی آشکاری. (7)

وَلَيْنَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَيْنَا أُمَّةٌ مَّعْدُودَةٌ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ ۖ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (8)

و البته اگر به تأخیر بیندازیم ما از ایشان عذاب را تا مدت شمرده شده البته می گویند چه باز می دارد آن را (عذاب را)؟ بیگمان روزی که می آید به ایشان (عذاب) نیست دفع شده از ایشان و در بر می گیرد از هر جانب به ایشان آنچه بودند به آن می کردند تمسخر. (8)

وَلَيْنَ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكُونُ مِنَّا كَافُورٌ (9)

و البته البته اگر بچشانیم ما انسان را از جانب ما رحمتی باز سلب کنیم ما آن را از او هرآینه او البته باشد نا امید، نا سپاس. (9)

وَلَيْنَ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۖ إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ (10)

و البته اگر بچشانیم او را نعمتی بعد سختی که رسیده باشد او را البته می گوید رفت بدی ها از من. هرآینه او البته باشد خوش، فخر کننده. (10)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (11)

مگر آنانکه شکیبایی کردند و کردند کار های شائسته، آنها برای ایشان است آمرزش و مزد بزرگ. (11)

فَاعْلَمْ أَنَّا نَكُونُ لَكَ بِغُضِّ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۖ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (12)

پس شاید باشی تو ترک کننده بعضی آنچه می شود وحی به سوی تو و دلتنگ شده به آن سینه تو اینکه می گویند: چرا نشد فرود فرستاده بر وی خزانه ئی یا نیامد همراه او فرشته ئی؟ جز این نیست که تو بیم دهنده. و خدا بر همه چیز نگهبان است. (12)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (13)

یا می گویند به دروغ بر بافته است آن را (قرآن را)؛ بگو: پس بیاورید ده سوره مانند آن به دروغ بر بافته شده و بخوانید هر کسی را که می توانید از غیر خدا اگر هستید شما راست گویان. (13)

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ (14)

پس اگر ندادند جواب برای شما پس بدانید که جز این نیست که (قرآن) فرو فرستاده شده به دانش خدا و اینکه نیست هیچ معبودی مگر او؛ پس آیا هستید شما تسلیم شده گان به خدا؟ (14)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (15)

هر کسی که است می خواهد زنده گی دنیا را و زینت و تجمل آن را، می دهیم بدون کم و کاست به سوی ایشان (اجوره) اعمال ایشان را در آن جا (دنیا) و ایشان در آن جا نشوند

زیان رسیده گان. (15)

أُولَىٰ-نِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ^{صلى} وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (16)

آنها آنانند که نیست برای ایشان در آخرت مگر آتش؛ و به هدر رفت آنچه کردند در آن و بیهوده شد آنچه بودند می کردند. (16)

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كُتِبَ مُوسَىٰ-إِمَامًا وَ رَحْمَةً أُولَىٰ-نِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ^ه وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ ^ه مِنَ الْأَحْزَابِ فَالْنَّارُ مَوْعِدُهُ ^ه فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (17)

آیا پس آن که بُود بر دلیل روشن از جانب پروردگار خود و می خواند آن را گواهی از جانب او و از پیش قرآن، کتاب موسی رهنما و رحمت. آنها می آورند ایمان به آن. و آن که می شود نا معتقد به آن از گروه ها پس دوزخ وعده گاه او است. پس نباش در شبه از قرآن. هر آئینه او است حق از جانب پروردگار تو ولیکن بسیاری مردم نمی آورند ایمان. (17)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَىٰ-نِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَ يَقُولُ الْأَشْهَدُ هِيَ-وَلَا الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ^ه أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (18)

و کیست ستم گار تر از کسی که بر بست بر خدا دروغی؟ آنها می شوند آورده پیش پروردگار شان و می گوید گواهان: این ها اند آنانکه به دروغ نسبت کردند بر پروردگار ایشان. بیگمان لعنت خدا است بر ستم گاران. (18)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا ^ه وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (19)

آنانکه می دارند باز از راه خدا و می خواهند برای آن راه کجی را. و ایشان به آخرت ایشانند نامعتقدان. (19)

أُولَىٰ-نِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ^ه يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ^ه مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَ مَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (20)

آنها نباشند ناتوان کننده گان در زمین و نیست برای ایشان از غیر خدا از دوستان، می شود دوچند برای ایشان عذاب. نبودند می توانستند شنیدن را ونبودند می دیدند. (20)

أُولَىٰ-نِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا ^ه أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (21)

آنها آنانند که زیان رساندند به جان های خود و گم شد از ایشان آنچه (معبودان باطل) بودند به دروغ بر می بافتند. (21)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ (22)

بدون تردید اینکه ایشان در آخرت ایشانند زیان رسیده ترین. (22)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَخْبَتُوا ^ه إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَىٰ-نِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ^{صلى} هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (23)

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کردند کار های شائسته و فروتنی کردند توجه کنان به سوی پروردگار شان آنها یاران بهشت اند؛ ایشان در آن همیشه باشند گانند. (23)

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَ فَلَا تَذَكَّرُونَ (24)
مثال دو گروه مانند کور و کر و بینا و شنوا. آیا می شوند این دو برابر در برابری؟ آیا پس نمی گیرید پند؟ (24)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ - إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (25)
و البته به یقین فرستادیم ما نوح را به سوی قوم او، (گفت): هر آئینه من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم. (25)

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ - إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ (26)
اینکه نپرستید مگر خدا را؛ هر آئینه من می ترسم بر شما عذاب روز درد دهنده را. (26)
فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِآدَائِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (27)

پس گفت اشرافیان آنانکه نامعتقد شدند از قوم او نمی بینیم ترا ما مگر انسانی مانند ما و نمی بینیم ترا ما پیروی کرده شده ترا مگر آنانکه ایشان پایانترین ما اند کوتاه فکran و نمی بینیم ما برای شما بر ما از برتری، بلکه می پنداریم شما را دروغ گویان. (27)
قَالَ يَاقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَاهِلُونَ (28)

گفت: ای قوم من آیا دیدید اگر باشم بر دلیل روشنی از جانب پروردگار من و داده است مرا رحمتی از نزد خود پس پنهان شد بر شما آیا مجبور کنیم شما را بر آن و شما برای آن نا خواهان باشید؟ (28)

وَيَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا - إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا - إِنَّهُمْ مُّلقُوا رَبَّهُمْ وَلَكِنِّي - أَرْكُم قَوْمًا تَجْهَلُونَ (29)

و ای قوم من نمی پرسم شما را بر آن هیچ مالی (مزدی)؛ نیست مزد من مگر بر خدا. و نیستم من راننده آنان را که ایمان آوردند. هر آئینه ایشان ملاقات کننده گانند پروردگار شان را و لیکن من می بینم شما را قومی که می کنید نادانی. (29)

وَيَقَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَ فَلَا تَذَكَّرُونَ (30)
و ای قوم من چه کسی می دهد مرا کومک از (عقوبت) خدا اگر برانم ایشان را؟ آیا پس نمی گیرید پند؟ (30)

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي - أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا - اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي - أَنْفُسِهِمْ - إِنِّي - إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (31)

و نمی گویم من برای شما که نزد من خزانه های خدا است و نمی دانم نادیده را و نمی گویم من که هر آئینه من فرشته ام و نمی گویم من برای آنانکه می بیند به حقارت چشم های شما هرگز نمی دهد ایشان را خدا نعمتی؛ خدا داناترین است به آنچه در دل های آنها است؛ هر آئینه من آن وقت باشم از ستم گاران. (31)

قَالُوا يَنْوُحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ (32)
گفتند: ای نوح به یقین بحث کردی با ما پس بسیار بحث کردی با ما پس بیاور به ما آنچه را که می دهی وعده ما را اگر هستی تو از راست گویان. (32)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (33)
گفت: جز این نیست که می آورد به شما آن را خدا اگر بخواهد و نیستید شما ناتوان کننده گان. (33)

و لَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (34)

و نمی دهد منفعت شما را نصیحت من اگر بخواهم که نصیحت کنم برای شما اگر باشد خدا می خواهد اینکه (خواستار اینکه) گمراه کند شما را. او پروردگار شما است و به سوی او بر گردانیده می شوید. (34)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ^{صلى} قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَ أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ (35)
یا می گویند: برافته است آن را (قرآن را)؛ بگو: اگر برافته باشم آن را پس بر من است گناه من و من منزّه هستم از آنچه شما می کنید گناه. (35)

وَ أَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (36)
و وحی شد به سوی نوح اینکه هرگز نمی آورد ایمان از قوم تو مگر آنکه به یقین ایمان آورده پس نکن غم و پریشانی به آنچه بودند می کردند. (36)

وَ اصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا وَ لَا تَخْطُبْنِي فِي الذِّينِ ظَلَمُوا ^{أء} إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ (37)
و بساز کشتی را به نظارت ما و وحی ما و نگو سخن با من در باره آنانکه ستم کردند. هر آئینه ایشان غرق شده گانند. (37)

وَ يَصْنَعِ الْفُلَكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالِ إِنْ تَسْخَرُونَ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (38)

و می ساخت کشتی را، و هر گاه که گذشت می کرد بر آن اشرافیان از قوم او تمسخر می کردند از آن. گفت (نوح): اگر شما می کنید تمسخر از ما پس هر آئینه ما می کنیم تمسخر از شما همان طور که شما می کنید تمسخر. (38)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (39)

پس به زودی خواهید دانست آن کسی را که می آید به او عذابی که می کند رسوا او را و می آید فرود بر او عذاب دائمی. (39)

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (40)

تا اینکه وقتی که آمد فرمان ما و فواران شد تنور گفتیم ما بردار در آن از هر جوره دو و خانواده خود را مگر کسی که گذشته بر او سخن، و کسی را که ایمان آورده. و نیاورده بود ایمان همراه او مگر عده محدودی. (40)

و قَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَ مُرْسَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (41)

و گفت: سوار شوید در آن به نام خدا است روان شدن آن و ایستادن آن. هر آئینه پروردگار من البته آمرزنده، با رحم است. (41)

و هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يُبْنِي ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (42)

و آن کشتی می رفت با ایشان در امواج مانند کوه ها و صدا کرد نوح پسر خود را و بود در کناری، ای پسر من سوار شما همراه ما و نباش همراه نا معتقدان. (42)

قَالَ سَتَلَوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ حَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (43)

گفت: پناه خواهم برد به سوی کوهی که می دارد نگاه مرا از آب. گفت: نمی دارد نگاه امروز از فرمان خدا مگر آنکه رحم کرده خدا. و آمد میان آن دو موج پس بود از غرق شده گان. (43)

وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَسْمَاءُ أَفْلَحِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ مَلِي وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (44)

و گفته شد ای زمین فرو خور آب خود را و ای آسمان نگاه دار و کم شد آب و به انجام رسانیده شد فرمان و قرار گرفت (کشتی) بر جودی؛ و گفته شد نابودی برای قوم ستم گاران. (44)

وَ نَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكَمِينَ (45)

و صدا کرد نوح پروردگار خود را پس گفت: ای پروردگار من هر آئینه پسر من از خانواده من است و هر آئینه وعده تو حق است و توئی بهترین داور، داورى کننده گان هستی. (45)

قَالَ يَنْتُحِ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ مَلِي إِنَّي أَعْظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (46)

گفت: ای نوح هر آئینه او نیست از خانواده تو؛ هر آئینه او کارش نا شائسته است؛ پس نپرس از من آنچه را که نیست برای تو به آن دانش؛ هر آئینه من می دهم پند ترا اینکه نباشی از

نادانان. (46)

قَالَ رَبِّ إِنِّي~ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ **صلى** وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي~ أَكُنْ مِنَ الْخَسِرِينَ (47)

گفت: ای پروردگار من هر آینه من پناه می برم به تو از اینکه بپرسم از تو آنچه را که نیست برای من به آن دانش؛ و اگر نیامرزی مرا و نکنی رحم بر من باشم از زیان رسیده گان. (47)

قِيلَ يٰ نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلَى~ أُمِّمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ~ وَ أُمِّمٍ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (48)

گفته شد ای نوح پائین شو با سلامتی و برکت ها بر تو و بر امت های از آنها همراه تو. و امت های دیگری می سازیم بهره مند ایشان را باز می رسد ایشان را از جانب ما عذاب درد دهنده. (48)

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ **صلى** مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا **صلى** فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (49)

این است از اخبار نادیده، می فرستیم وحی ما آن را به سوی تو؛ نبودی دانسته آن را تو و نه قوم تو از پیش این؛ پس شکیبائی کن، هر آینه سرانجام برای پرهیزگاران است. (49)
وَ إِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ **صلى** إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (50)
و به سوی عاد برادر ایشان هود را. گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر خدا؛ نیستید شما مگر بر بافته گان. (50)

يَقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا **صلى** إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي~ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (51)
ای قوم من نمی پرسم شما را بر آن مزدی؛ نیست مزد من مگر بر آنکه آفریده است مرا. آیا پس نمی اندیشید؟ (51)

وَ يَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا~ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (52)

و ای قوم من طلب کنید آمرزش پروردگار خود را باز برگردید به توبه به سوی او تا بفرستد آسمان (باران) را بر شما ریزان و فراوان و بیفزاید شما را قوتی بر قوت شما و نگردانید رو گنه گار ها شده. (52)

قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَارِكِي~ ءَالِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَ مَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (53)
گفتند: ای هود نیامردی ما را دلیل روشنی و نیستیم ما ترک کننده معبودان ما را از سخن تو و نیستیم ما برای تو از ایمان آورنده گان. (53)

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُو~ ءِ قَالِ إِنِّي~ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُ~ أَنِّي بَرِي~ ءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (54)

نمی گوئیم مگر اینکه رسانیده است بعضی معبودان ما به تو ضرری. گفت: هر آئینه من گواه می سازم خدا را و شما گواه باشید اینکه من منزّه و بیزارم از آنچه شرک می ورزید. (54)

مِنْ دُونِهِ ^{صلى} فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ (55)

از غیر او؛ پس توطئه کنید در باره من همه یکجا باز ندهید مهلت مرا. (55)

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (56)

هر آئینه من اعتماد کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما. نیست از جنبنده مگر او است گیرنده به پیشانی او. هر آئینه پروردگار من بر راه راست است. (56)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزٌ (57)

پس اگر رو بگردانید پس به یقین رساندم به شما آنچه فرستاده شدم با آن به سوی شما. و جا نشین می سازد پروردگار من قومی غیر شما و نمی توانید زیان رسانده او را چیزی.

هر آئینه پروردگار من بر همه چیز نگهبان است. (57)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (58)

و چون آمد فرمان ما نجات دادیم ما هود را و آنانکه ایمان آوردند همراه او به رحمت از جانب ما و نجات دادیم ما ایشان را از عذاب بسیار سخت. (58)

و تِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (59)

و این بود عاد؛ انکار کردند آیت های پروردگار شان را و نافرمانی کردند پیغمبران او را و پیروی کردند فرمان هر سرکش ستیزنده را. (59)

و اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ^{صلى} أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ ^{صلى} أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ (60)

و دنبال گردیدند در این دنیا به لعنتی و روز قیامت نیز. بیگمان هر آئینه عاد نا معتقد شدند پروردگار ایشان را. بیگمان دوری (نابودی) است برای عاد قوم هود. (60)

وَ إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ^{صلى} هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا ^{صلى} إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (61)

و به سوی ثمود برادر ایشان صالح را. گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر خدا؛ او به وجود آورد شما را از زمین و توان آباد کردن داد شما را در آن پس آمرزش طلب کنید از او باز برگردید به توبه به سوی او. هر آئینه پروردگار من نزدیک است، پذیرنده (دعا) است. (61)

قَالُوا يَصْلِحْ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا ^{صلى} أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَ إِنَّا لَفِي شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (62)

گفتند: ای صالح! به یقین بودی تو در میان ما امید داشته شده پیش از این؛ آیا می کنی منع ما را اینکه می کنیم ما عبادت آنچه را می کرد عبادت پدران ما و هر آئینه ما البته در شک هستیم از آنچه می خوانی ما را به سوی آن به شک اندازنده. (62)

قَالَ يٰ قَوْمِ اَرَأَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّيْ وَ ءَاتٰنِيْ مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهُ ^{مولى} فَمَا تَزِيدُوْنِيْ غَيْرَ تَخْسِيْرٍ (63)

گفت: ای قوم من آیا دیدید اگر باشم بر دلیل روشنی از جانب پرور دگار من و داده است مرا از جانب خود رحمتی پس چه کسی می کند کومک مرا از (عذاب) خدا اگر نافرمانی کنم من او را؛ پس نمی افزایید مرا مگر زیان. (63)

وَ يٰ قَوْمِ هٰذِهِ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةٌ فَذُرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْ اَرْضِ اللّٰهِ وَ لَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْرَةٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ (64)

و ای قوم من این ماده شترخدا است برای شما نشانه ئی پس بگذارید او را تا بخورد در سر زمین خدا و نرسانید به او ضرری پس بگیرد شما را عذابی نزدیکی. (64)

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِىْ دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ ^{مولى} ذٰلِكَ وَعَدُّ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ (65)

پس پی زدند او را پس گفت: بهره مندی کنید در خانه های خود سه روز؛ این وعده ئی است غیر به دروغ نسبت شده (راست است). (65)

فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَ مِنْ خِزْيٍ يُّوْمِئِذٍ ^{مولى} اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ (66)

پس چون آمد فرمان ما نجات دادیم ما صالح را و آنانکه ایمان آورده بودند همراه او به رحمتی از جانب ما و از خواری و رسوائی آن روز. هر آئینه پروردگار تو او است نیرومند، غالب. (66)

وَ اَخَذَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا الصَّيْحَةَ فَاصْبَحُوْا فِىْ دِيَارِهِمْ جَثْمِيْنَ (67)

و گرفت آنان را که ستم کردند صدای شدید و وحشتناک پس صبح کردند در خانه های خود مرده های به روی افتاده. (67)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِىْهَا ^{مولى} اَلَا اِنَّ ثَمُوْدَ كَفَرُوْا رَبَّهُمْ ^{مولى} اَلَا بُعْدًا لِّثَمُوْدَ (68)

مانند اینکه هرگز نبودند در آنجا. بیگمان هر آئینه ثمود نا معتقد شدند پروردگار شان را. بیگمان دوری (نابودی) است برای ثمود. (68)

وَ لَقَدْ جَاۤءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرٰى اَقَالُوْا سَلٰمًا ^{مولى} قَالَ سَلٰمٌ ^{مولى} فَمَا لَبِثَ اَنْ جَاۤءَ بِعَجَلٍ حٰزِيْٓ (69)

و البته به یقین آمد فرستاده گان ما ابراهیم را با مژده، گفتند: سلام؛ گفت: سلام؛ پس نکشید طول اینکه آمد با گوساله بریان. (69)

فَلَمَّا رَاَ اَيُّدِيْهِمْ لَا تَصِلُ اِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَ اَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوْا لَا تَخَفْ اِنَّاۤ اَرْسَلْنَا اِلَيْكَ قَوْمَ لُوٓطٍ

(70)

پس چون دید دست های ایشان نمی رسد به سوی آن، نا آشنا شمرد ایشان را و احساس کرد از ایشان ترسی. گفتند: نترس هرآئینه ما فرستاده شده ایم به سوی قوم لوط. (70)
وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (71)
و زن او ایستاده (بود) پس بخندید پس مژده دادیم او را به اسحاق و از آن طرف اسحاق، یعقوب را. (71)

قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا ۚ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (72)
گفت (زن ابراهیم): ای وای آیا می زایم من و من پیر زنی هستم و این شوهر من پیر مردی؟! هرآئینه این البته چیز شگفت انگیز است. (72)
قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۚ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ ۚ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ۚ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (73)
گفتند: آیا شگفت می کنی از فرمان خدا؟! رحمت خدا و برکت های او است بر شما اهل این خانه. هرآئینه او است ستوده شده، بزرگوار. (73)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (74)
پس چون رفت از ابراهیم ترس و آمد او را مژده، بحث و گفتگو می کرد با ما (فرستاده گان ما) در باره قوم لوط. (74)
إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (75)

هرآئینه ابراهیم البته (بود) برده بار، آه کشنده، رجوع کننده به خدا. (75)
يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ۖ إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۚ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (76)
ای ابراهیم رو برگردان از این (بحث و گفتگو در باره قوم لوط)؛ هرآئینه آن به یقین آمده است فرمان پروردگار تو؛ و هرآئینه ایشان می آید به آنها عذاب بدون برگرداندن. (76)
وَ لَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَ ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَ قَالَ هَذَا يَوْمُ عَصِيبٍ (77)
و چون آمد فرستاده گان ما لوط را پریشان شد به سبب ایشان و دلتنگ شد به سبب ایشان در حال ناتوانی و گفت: این روزی است دشوار. (77)

وَ جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَ مِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۚ قَالَ يَتَقَوْمٌ هِيَ إِلَّا بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۚ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (78)
و آمد به او قوم او می کردند شتاب به سوی او و از پیش بودند می کردند کار های زشت. گفت: ای قوم من این ها دختران من اند، ایشان پاکیزه تر اند برای شما؛ پس بپرهیزید خدا را (بترسید از خشم خدا) و نکنید رسوا مرا در باره مهمان های من؛ آیا نیست از شما مرد رهنمائی؟ (78)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا تُرِيدُ (79)

گفتند: البته به یقین دانسته ئی که نیست برای ما در باره دختران تو از حق و هرآئینه تو البته می دانی آنچه ما می خواهیم. (79)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِيٍّ إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ (80)

گفت: اگر اینکه بودی برای من بر شما نیروئی یا پناهی به سوی حمایه نیرومند! (80)

قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ ۚ فَأَسْرَبَ لَهُمُ الْبُيُوتَ فَهُمْ يَمْنَنَ فَمَا يَسْبَغُونَ إِلَّا بِأَمْرٍ أَتَتْهُمْ أُنْثَىٰ مُمِصِيهَا مَا أَصَابَهُمْ ۚ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ۚ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (81)

گفتند: ای لوط ما فرستاده گان پروردگار توئیم هرگز نمی رسند به سوی تو؛ پس ببر خانواده خود را در قسمتی از شب و نباید بنگرد به عقب از شما هیچ یک مگر زن تو؛ هرآئینه آن می رسد او را آنچه رسد ایشان را (قوم لوط را). هرآئینه وقت معین ایشان صبح است. آیا نیست صبح نزدیک؟ (81)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَ آمَطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ مَّنْضُودٍ (82)

پس چون آمد فرمان ما ساختیم ما بالای آن را پائین آن و بارانیدیم بر آن سنگ ها از گل پخته پی در پی. (82)

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ ۚ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ (83)

نشاندار شده نزد پروردگار تو؛ و نیست آن از ستم گاران دور. (83)

وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَبْقُومُوا ۖ اَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۚ وَ لَا تَتَّبِعُوا الْمَكِيلَ وَ الْمِيزَانَ ۚ إِنِّي ۖ أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ ۚ وَ إِنِّي ۖ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (84)

و به سوی مدین برادر ایشان شعیب را. گفت: ای قوم من بپرستید خدا را نیست برای شما از معبودی غیر خدا؛ و نکنید کم پیمانه و ترازو را. هرآئینه من می بینم شما را در نعمت و هرآئینه من می ترسم بر شما عذاب روز در بر گیرنده را. (84)

وَ يَبْقُومُوا أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (85)

و ای قوم من به تمام و کمال بدهید پیمانه و ترازو را به عدالت؛ و نرسانید کم مردم را چیز های ایشان را و نکنید تباه کاری در سر زمین فساد کارانه. (85)

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ ۚ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (86)

باقی گذاشته خدا بهتر است برای شما اگر هستید شما ایمان آورنده گان. و نیستم من بر شما نگهبان. (86)

قَالُوا يَشْعَبُ أَوْ صَلَوَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي ۖ أَمْوَالِنَا مَا نَشَىٰ ۖ وَأَمْ لِي ۖ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (87)

گفتند: ای شعیب آیا نماز تو فرمان می دهد ترا اینکه ترک کنیم ما آنچه را می پرستد پدران

ما یا (ترک کنیم) اینکه بکنیم با دارائی ما آنچه می خواهیم. هر آئینه تو البته تو برده بار، شائسته ئی. (87)

قَالَ يٰ قَوْمِ اَرَأَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّىْ وَ رَزَقْنِىْ مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَ مَا اُرِيدُ اَنْ اُخَالِفَكُمْ اِلٰى مَا اَنْهٰكُمْ عَنْهُ ۚ اِنْ اُرِيدُ اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ وَ مَا تَوْفِىْقِىْٓ اِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ اِلَيْهِ اُنِيبُ (88)

گفت: ای قوم من آیا دیدید شما اگر بودم بر دلیل روشنی از جانب پروردگار من و روزی داد مرا از جانب خود روزی نیک. و نمی خواهم من اینکه خلاف کنم شما را به سوى آنچه منع می کنم شما را از آن. نمی خواهم مگر درست کاری را تا آنکه می توانم. و نیست کامیابی من مگر با خدا. بر او اعتماد می کنم و به سوى او بر می گردم. (88)

وَ يٰ قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىْٓ اَنْ يُصِيبَكُمْ مِّثْلُ مَا اَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ اَوْ قَوْمَ هُودٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ وَ مَا قَوْمٌ لُّوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ (89)

و ای قوم من نسازد وادار شما را مخالفت و دشمنی من اینکه برسد شما را مانند آنچه که رسید به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح. و نیست قوم لوط از شما دور. (89)

وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوْآ اِلَيْهِ ۚ اِنَّ رَبِّىْ رَحِيْمٌ وَدُوْدٌ (90)

و آمرزش بخواهید پروردگار خود را باز بر گردید به توبه به سوى او. هر آئینه پروردگار من با رحم، با محبت است. (90)

قَالُوا يٰ شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَقُوْلُ وَ اِنَّا لَنَرٰكَ فِىْنَا ضَعِيْفًا ۖ وَ لَوْلَا رَهْمٰتُكَ لَرَجَمْنَاكَ ۖ وَ مَا اَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيْزٍ (91)

گفتند: ای شعیب نمی فهمیم بسیاری از آنچه می گوئی و هر آئینه البته می بینیم ترا در میان ما ناتوان؛ و اگر نبودی خانواده تو البته سنگسار می کردیم ترا؛ و نیستی تو بر ما گرامی قدر. (91)

قَالَ يٰ قَوْمِ اَرْهَطِىْٓ اَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنْ اللّٰهِ وَ اتَّخَذْتُمُوْهُ وَاَعَاكُمْ ظَهْرِيَّا ۖ اِنَّ رَبِّىْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ مُّحِيْطٌ (92)

گفت: ای قوم من آیا خانواده من گرامی تر است بر شما از خدا و گرفتید او را آنطرف خویش عقب؛ هر آئینه پروردگار من به آنچه می کنید در بر گیرنده است. (92)

وَ يٰ قَوْمِ اَعْمَلُوا عَلٰى اِمْكَانِكُمْ اِنِّىْ عَمِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ مَنْ يَّاتِيْهِ عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَ مَنْ هُوَ كَذِبٌ ۖ وَ اَرْتَقِبُوْآ اِنِّىْ مَعَكُمْ رَقِيْبٌ (93)

و ای قوم من عمل کنید بر حال خود هر آئینه من نیز عمل کننده ام. به زودی می دانید کسی را که می آید او را عذابی که رسوا می کند او را و کسی را که است او دروغگو؛ و انتظار کشید هر آئینه من همراه شما انتظار می کشم. (93)

وَ لَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَ اَخَذَتِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا الصَّيْحَةَ

فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (94)

و وقتی که آمد فرمان ما نجات دادیم ما شعیب را و آنان را که ایمان آوردند همراه او به رحمتی از جانب ما و گرفت آنان را که ستم کردند صدای شدید و وحشتناک پس صبح کردند در خانه های خود مرده های به روی افتاده. (94)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ أَلَا بُعْدًا لِّمَدِينٍ كَمَا بَعْدَتْ ثُمُودُ (95)

مانند اینکه هرگز نبودند در آنجا. بیگمان دوری (نابودی) بود برای مدین مانند آنچه دوری کرد ثمود. (95)

و لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ (96)

و البته به یقین فرستادیم ما موسی را با نشانه های ما و دلیل روشن. (96)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَإِيهِ ۖ فَاتَّبَعُوهُ ۖ أَمَرَ فِرْعَوْنُ صُلٰی وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (97)

به سوی فرعون و اشرافیان او پس پیروی کردند فرمان فرعون را؛ و نبود فرمان فرعون به راه راست. (97)

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ صُلٰی وَ بئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ (98)

پیش می شود قوم خود را روز قیامت پس می آورد ایشان را به دوزخ؛ بد است جایی که آورده شدند. (98)

وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ ۖ لَعْنَةُ وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ بئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (99)

و از پی ایشان آورده شد در این لعنت و روز قیامت. بد است تحفه که تحفه داده شدند. (99)

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفَرَىٰ ۖ نَفْسُهُ ۖ عَلَيْكَ مِنْهَا قَاتِمٌ وَ حَصِيدٌ (100)

این است از اخبار شهر ها می خوانیم ما آن را بر تو، از آنها است ایستاده و درو شده (از بین رفته). (100)

وَ مَا ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ ظَلَمُوا ۖ أَنْفُسَهُمْ صُلٰی ۖ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ ءَالَهُتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ صُلٰی وَ مَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (101)

و نکردیم ستم ما ایشان را ولیکن ستم کردند ایشان جان های خود را؛ پس نساخت غنی از ایشان معبودان ایشان آنانکه می خوانند از غیر خدا از چیزی وقتی که آمد فرمان پروردگار تو؛ و نیفزود ایشان را غیر بربادی. (101)

وَ كَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخْذَ الْفَرَىٰ ۖ وَ هِيَ ظَلِمَةٌ ۖ إِنَّ أَخْذَهُ ۖ- أَلِيمٌ شَدِيدٌ (102)

و مانند این است گرفت پروردگار تو وقتی که بگیرد شهر ها را و آن باشد ستمگار. هر آینه گرفت او درد ناک سخت است. (102)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ۖ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (103)

هر آئینه در این البته نشانه است برای کسیکه ترسید از عذاب آخرت. آن روزی است که جمع کرده می شوند برای او مردم و آن روزی است دیدنی. (103)

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (104)

و نمی اندازیم به تأخیر آن را مگر برای وقت تعیین شده کم. (104)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۖ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (105)

روزی که می آید نمی گوید سخن نفسی مگر به اجازه او. پس از ایشان بدبختانند و نیک بختان (105)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (106)

پس اما آنانکه بدبخت شدند پس در دوزخ برای ایشان در آن فریاد شدید و ناله زار است. (106)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (107)

باشنده گان در آن تا آنکه دوام می کند آسمان ها و زمین مگر آنچه بخواهد پروردگار تو. هر آئینه پروردگار تو کننده است آنچه را که اراده می کند. (107)

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ ۖ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ (108)

و اما آنانکه نیک بخت شدند پس در بهشت باشنده گان در آن تا آنکه دوام می کند آسمان ها و زمین مگر آنچه بخواهد پروردگار تو؛ بخشی بدون قطع شدن. (108)

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هِيَ ۖ اُولَٰئِكَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ ۚ وَ إِنَّا لَمَوْفُونَ بِمَا نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ (109)

پس نباش در شک از آنچه می پرستند این ها. نمی پرستند مگر مانند آنکه می پرستید پدران ایشان از پیش. و هر آئینه ما البته به تمام می دهیم حصه ایشان را بدون کم کردن. (109)

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (110)

و البته به یقین دادیم ما موسی را کتاب را پس اختلاف افتاد در آن. و اگر نبود سخنی صادر شده پیشتر از پروردگار تو البته فیصله کرده می شد میان ایشان. و هر آئینه ایشان البته در شک اند از آن شک اندازنده. (110)

وَ إِن كُلاً لَّمَّا لَيُؤْفِقُنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلُهُمْ ۚ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (111)

و هر آئینه همه را وقتی که البته می دهد ایشان را به تمام پروردگار تو (جزای) کردار ایشان را. هر آئینه او به آنچه می کنند آگاه است. (111)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّن تَابٍ مَّعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا ۚ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (112)

پس بایست ثابت چنانچه امر شده ترا و کسیکه برگشت به توبه همراه تو و نگذرد از حد. هر آئینه او به آنچه می کنید بینا است. (112)

و لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (113)

و نکند میل به سوی آنانکه ستم کردند پس برسد شما را آتش و نیست برای شما از غیر خدا از دوستان باز نشوید کومک. (113)

و أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ (114)

و برپا کن نماز را دو طرف روز و نزدیکی از شب. هر آئینه خوبی ها از بین می برد بدی ها را. این است یاد آوری برای یاد آورنده گان. (114)

وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (115)

و شکیبائی کن پس هر آئینه خدا نمی کند ضائع مزد نیکوکاران را. (115)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ (116)

پس چرا نبود از شهر ها از پیش شما صاحبان باقی مانده می کردند منع از فساد در زمین مگر اندکی از کسانی که نجات دادیم ما از ایشان. و پیروی کردند آنان که ستم کردند آنچه آسوده گی داده شده بودند در آن و بودند گناه گاران. (116)

وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَ أَهْلَهَا مُصْلِحُونَ (117)

و نیست پروردگار تو که هلاک کند شهر ها را به ستم و مردم آن است راست کاران. (117)

وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۖ وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (118)

و اگر می خواست پروردگار تو البته می ساخت مردم را ملت یگانه؛ و نمی شود قطع اختلاف کننده گان. (118)

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ ۚ وَ لَذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ ۖ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (119)

مگر کسی که رحم کرد (بر او) پروردگار تو. و برای این آفریده است ایشان را. و تمام شد سخن پروردگار تو که البته پر کنم دوزخ را از جن و مردم همه یکجا. (119)

وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِّنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۚ وَ جَاءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَ مُوعِظَةٌ وَ ذِكْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ (120)

و هر یک را می خوانیم بر تو از اخبار پیغمبران آن است که ثابت می گردانیم به آن دل

ترا. و آمده است به تو در این حق و پند و یاد آوری برای ایمان آورنده گان (120)

و قُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ اِنَّا عَمِلُونَ (121)

و بگو برای آنانکه نمی آورند ایمان عمل کنید بر حال خود هرآئینه ما عمل کننده گانیم.

(121)

وَ اِنْتَظِرُوا ^و اِنَّا مُنْتَظِرُونَ (122)

و انتظار بکشید هرآئینه ما انتظار کشیده گانیم. (122)

وَ لِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ اِلَيْهِ يُرْجَعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ

عَمَّا تَعْمَلُونَ (123)

و برای خدا است نادیده آسمان ها و زمین و به سوی او بر گردانیده می شود کار همه آن

پس بپرست او را و اعتماد کن بر او. و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه که می کنی.

(123)